

مناقشه بر سر تعیین حداقل دستمزد در اروپا

اتحادیه اروپا به دنبال تصویب قانون جدیدی است که به دنبال آن «حداقل دستمزد کارگران» تعیین شود و تمامی کشورهای عضو نیز باید به آن عمل کنند. اگر چه دریافتی کارگران با تصویب قانون حداقل دستمزد کارگران در کشورهای عضو اتحادیه اروپا یکسان نخواهد بود، اما هدف از اجرای این طرح آن است که کارگران چه در بلغارستان باشند یا در لوکزامبورگ، دستمزد کافی برای تأمین معیشت زندگی خود دریافت کنند.

البته تمامی کشورهای عضو اتحادیه اروپا موافق اجرای طرح تعیین حداقل دستمزد کارگران نیستند و دو کشور دانمارک و سوئد با اجرای این طرح پیشنهادی مخالفت کرده‌اند. نمایندگان این دو کشور معتقدند تعیین دستمزد کارگران، وظیفه دولت‌مدان نیست و افزایش دستمزد باید به گروه‌های کارگری سپرده شود.

کمیسرین اقتصادی اتحادیه اروپا، طرحی را در خصوص حداقل دستمزد بر اساس محاسبات اقتصادی خود مطرح می‌کند و کشورهای عضو نیز حداقل دریافتی کارگران را بر اساس

هزینه‌های زندگی، قیمت مسکن و نرخ تولید ناخالص داخلی ارائه می‌دهند.

«والدیس دمیروفسکی» (رئیس کمیسرین و مسئول بازرگانی و تجارت اتحادیه اروپا) در این باره گفت: «اجرای طرح تعیین حداقل دستمزد ضروری و مهم است و کمک بزرگی به کارگران خواهد کرد. افرادی که درآمد کمتری دارند با آغاز بحران اقتصادی در اروپا با چالش‌های فراوانی روبه‌رو شده‌اند.»

«هانس دالگرن» (وزیر امور اروپایی سوئد) درباره مخالفت این کشور با طرح پیشنهادی اتحادیه اروپا درباره تعیین حداقل دستمزد می‌گوید: «اتحادیه‌های کارگری و کارفرمایی سالانه – یا هر دو سال یکبار – درباره افزایش دستمزد کارگران و تعیین حداقل دریافتی تصمیم می‌گیرند که تاکنون نیز مشکلی به وجود نیامده است. ما با طرح کمیسرین درباره دستمزد مخالف هستیم.»

این طور به نظر می‌رسد سوئد نیازی به تصویب طرح پیشنهادی اتحادیه اروپا ندارد اما کارگران بسیاری از کشورهای عضو شرایط نامساعدی داشته و امکان استثمار آنها بسیار زیاد است. این طرح شاید بتواند برای بهبود شرایط آنها موثر باشد.

کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری اروپا (ETUC) درباره افزایش دستمزد کارگران می‌گوید: «تصمیم‌گیری‌های یک‌جانبه هیچ تأثیری نخواهد داشت. طرح پیشنهادی کمیسرین اتحادیه اروپا باید در مذاکرات جمعی بررسی و پس از اعمال رأی طرفین، یعنی کارگران و کارفرماهای قانون تبدیل شود.»

استر لینگ، دبیر کل کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری در ایسن باره می‌گوید: «کارگران در تمامی اروپا، بازوان متمرث‌تری هستند. آنها چه در شرق یا غرب اروپا تأثیر یکسانی در چرخه اقتصادی دارند اما بسیاری از آنها در نیمه شرقی اروپا از شرایط نامساعدی برخوردار هستند. اجرای این طرح می‌تواند کمک بزرگی به کارگران کند.» برای اینکه طرح پیشنهادی تبدیل به قانون شود، باید تمامی کشورهای عضو اتحادیه اروپا با این طرح موافقت کنند. کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری اروپا امیدوار است این کار هرچه سریع‌تر انجام شود. اعضای این اتحادیه باور دارند، قانونی شدن تعیین حداقل دستمزد، تنها ابزار قانونی برای جلوگیری از استثمار کارگران در اروپا خواهد بود.

با ضعیف‌تر شدن پول رایج چین، صادرات این کشور از نظر رقابتی وضع بهتری داشت.

با ضعیف‌تر شدن پول رایج چین، صادرات این کشور از نظر رقابتی وضع بهتری داشت. خرید کالاها ی چینی با ارزهای خارجی ارزان‌تر تمام می‌شد. از نظر آمریکا تضعیف یوان، تلاشی است از جانب چین برای خنثی کردن تأثیر افزایش تعرفه بر کالاها ی صادراتی این کشور. با وجودی که به نظر می‌رسد ا یوان به سود مصرف کنندگان در سراسر دنیا است

ترامپ و شکست در یک جنگ بزرگ

دنیا است. البته در این زمینه خطراتی هم وجود داشت. یوان ضعیف‌تر سبب می‌شود نرخ کالاها ی وارداتی به چین گران‌تر تمام شده و بالقوه باعث تورم و فشار روی اقتصاد شود. از طرف دیگر، صادرات برای طرف چینی ارزش بیشتر و قدرت خرید بیشتری به ارمان خواهد آورد؛ پس تولید هم رونق می‌گیرد. دستکاری در ارزش نرخ ارز و نادیده گرفتن مقررات تجارت جهانی به منظور برخورداری از امتیازات، رقابتی غیرمنصفانه محسوب می‌شود. یک کشور با افزایش یا کاهش مصنوعی نرخ ارز این کار را انجام می‌دهد و ممکن است هدف آن رقابتی کردن بیشتر صادرات به منظور جلوگیری از افزایش یا کاهش سرمایه‌ای باشد که وارد آن کشور می‌شود؛ اتفاقی که در مورد چین و آمریکا افتاد. هر چند ناچیز به نظر می‌رسد، اما باعث نابود شدن شغل میلیون‌ها نفر در آمریکا شد.

سال ۲۰۲۰ و شمیوع کرونا روابط این دو کشور را به کمترین و بدترین حد خود رساند. هر دو طرف، دیگری را به دلیل همه‌گیری ویروس کرونا در سراسر جهان متهم می‌کردند. مقامات چینی به طور علنی از توطئه ارتش آمریکا برای آزاد کردن ویروس در چین سخن گفتند و شرایط تا حد تعطیلی کنسولگری‌ها پیش رفت. رابرت راس، استاد علوم سیاسی دانشگاه بوستون معتقد است: ترامپ تلاش می‌کند با قطع تجارت، تبادل فرهنگی و مبادلات سیاسی به طور کامل از چین جدا شود. چشم‌انداز خوبی بین این دو کشور نبود تا اینکه ترامپ در انتخابات شکست خورد.

ترامپ در دوران کاندیداتوری خود متعهد شد که علیه دزدی دریایی چینی، کالاها ی تقلبی آمریکایی و سرقت اسرار تجاری و مالکیت معنوی، اقدام سریع، قوی و صریح انجام دهد. او در ژانویه سال ۲۰۱۶، پیشنهاد تعرفه ۴۵ درصدی صادرات چین به ایالات متحده را داد تا کارگران آمریکایی شرایط برابر داشته باشند، اما نخستین تنش ترامپ و چین با تماس تلفنی ترامپ و رئیس جمهور تایوان (چین تایپه) اتفاق افتاد. ترامپ صراحتاً گفت با چین باید به توافقات جدیدی برسد و او روندهای گذشته را قبول نخواهد داشت. یکی از فشارهای همیشگی دولت ترامپ به چین، تلاش برای جلوگیری از ساخت جزایر مصنوعی در دریای جنوبی بود. در سال‌های بعد با محدودیت ویزا برای دانشجویان چینی و تحریم شرکت «هوآوی» توسط ترامپ، جنگ تجاری شدت گرفت. یکی از مهمترین تنش‌ها، اتهام دستکاری ارزش یوان در برابر دلار بود. البته چین دهه‌هاست که به دستکاری ارزش پول خود در برابر دلار متهم می‌شود، اما در سال ۲۰۱۹ زمانی که ارزش هر دلار به هفت یوان رسید، ترامپ به سختی از این سیاست چین انتقاد کرد. با ضعیف‌تر شدن پول رایج چین، صادرات این کشور از نظر رقابتی وضع بهتری داشت. به عبارتی خرید کالاها ی چینی با ارزهای خارجی ارزان‌تر تمام می‌شد. از نظر آمریکا تضعیف یوان، تلاشی است از جانب چین برای خنثی کردن تأثیر افزایش تعرفه بر کالاها ی صادراتی این کشور. با وجودی که به نظر می‌رسد ا ف یوان به سود مصرف کنندگان در سراسر

نبودند، بلکه دو کشور از این گروه (یعنی ژاپن و استرالیا) به پیمان RCEP پیوستند و عملاً این اتحاد به شکست کشیده شد. این کشورها و اکثر قریب به اتفاق کشورهای جهان به واسطه مرادات میلیونی و بلکه میلیار دی با چین حاضر نیستند در سیاست‌های ضدچینی –چین‌ستیزی– مشارکت داشته باشند. در یک وضعیت شگفت‌انگیز باید دانست که چین شریک اول ۱۴۶ کشور جهان است و این یعنی مزیت نسبی نسبت به آمریکای فشار اقتصادی به کشورهای هم‌پیمان برای نیل به اهداف سوسیالیستی. به نظر می‌رسد بایدن برای مهار چین باید از همکاری با دیگر دولت‌ها بهره گیرد. البته برخی ناظران معتقدند چین سیاست ترامپ را بر سیاست بایدن ترجیح می‌دهد؛ چرا که سیاست ترامپ باعث منزوی شدن آمریکا و رشد چین شد، در عوض بایدن باید تلاش کند تا با بزرگ کردن خطر چین، هم‌پیمانان بیشتری برای خود دست‌وپا کند. به هر حال، به نظر می‌رسد سیاست دولت جدید آمریکا سیاستی دوگانه، مبتنی بر فشار و حفظ همکاری است. چین اکنون از دوران مخفی بودن خارج شده و حالا خود را در شرایطی می‌بیند که باید به یار کشی در مقابل ایالات متحده بپردازد. اژدهای زرد از شیشه خارج شده و ایالات متحده در سخت‌ترین شرایط خود به سر می‌برد. باید دید بایدن و تیم اقتصاد بین‌المللی او چه خوابی برای چینی‌ها دیده‌اند.

رقابت می‌کنند، به شدت وجود داشته است. «ساموئل هاموند»، مدیر سیاست فقر و رفاه، معتقد است: امضای قانون روابط تجاری عادی دائمی با چین (PNTR) در اکتبر سال ۲۰۰۰ و پیوستن چین به سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۱، تأثیرات گسترده‌ای داشته است. میلیون‌ها شغل تولیدی با درآمد بالا از دست رفته، تشکیل خانواده کاهش یافته و قیمت املاک و مستغلات زیاد شده است.

جنبش‌های پوپولیستی چپ و راست باعث شده که ایمان به قدرت لیبرال دموکراسی برای پاسخگویی به این چالش‌ها متزلزل شود. اوپاما توانست به رغم تدوین استراتژی برای مهار چین در نقاطی با این کشور هماهنگی ایجاد کند اما در نهایت چین به رشد خود همچنان ادامه داد.

بایدن و یک اقتصاد توفان زده

جو بایدن که حالا رئیس جمهور منتخب آمریکاست در دوران نامزدی ریاست جمهوری خود به این مسئله اشاره کرد که وی به جنگ تجاری بین آمریکا و چین پایان خواهد داد. بایدن معتقد است تعرفه‌های ترامپ به اقتصاد چین صدمه زده اما اقتصاد آمریکا را نیز متضرر کرده و به ورطه رکود کشانده است. در مقابل رکود آمریکا، چین در نیمه اول سال ۲۰۲۰ رشدی بالغ بر ۲/۳ درصد داشت که علت اصلی این وضعیت را می‌توان سیاست‌های ملی و فراگیر در مبارزه با کرونا دانست. ترامپ با همه شعارهایی که داد و همه تلاش‌هایش نتوانست چین را عقب بزند. حتی کشاورزان آمریکا – که عمدتاً حامیان ترامپ هستند – به واسطه سیاست‌های ناپخته او در بحران مالی قرار گرفتند و ۴۰ میلیارد دلار کمک مالی هم به اقتصاد آمریکا و تنگنای شدید معیشتی مردم کمکی نکرد. جو بایدن، رئیس جمهور منتخب ایالات متحده، با میراثی روبه‌رو خواهد بود که اگر به‌فوری‌ت به مسئله رکود اقتصادی و بیکاری میلیونی نپردازد و بسته‌های حمایتی بیشتری را اجرا نکند، این کشور به رکودی عمیق وارد خواهد شد. کارشناسان دو عامل جنگ تجاری با چین و سوءمدیریت کرونا را عامل رکود اقتصادی در آمریکا می‌دانند. ترامپ و پمپئو در تلاش برای مهار چین و ایجاد محور ضدچینی در چارچوب کواد (گروه چهار کشوری: آمریکا، ژاپن، استرالیا و هندوستان) نه تنها موفق

آمریکا و مسأله چین

در سال ۱۹۹۱ چین تنها یک درصد از کل واردات ایالات متحده را به خود اختصاص داد. برای سال‌های متمادی، چین مهمترین کشوری بود که برای حفظ وضعیت تجارت آزاد نیاز به معافیت سالانه داشت اما از زمان ورود این کشور به سازمان تجارت جهانی (WTO) در دسامبر سال ۲۰۰۱، همه چیز تغییر کرد و کاهش مشاغل تولیدی در ایالات متحده به سرعت اتفاق افتاد؛ اتفاقی که در سال‌های بعد به «شوک چین» معروف شد. شوک چین باعث از میان رفتن ۱۶ درصد از کل اشتغال تولیدی در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ در آمریکا شد. البته آلمان، نروژ و اسپانیا هم در این شوک درگیر شدند.

مطالعات نشان داده که بیکاری بیشتر، مشارکت کمتر نیروی کار و کاهش دستمزدها در بازارهای محلی آمریکا که با صنایع چینی

ایستادگی کند. ارنست در جلسه بوندستاک (پارلمان) آلمان اعلام کرد که «مریکا، مانند اعضای گروه مافیا که تلاش دارند به زور از شرکت‌ها پول بگیرند عمل می‌کنند. ایالات متحده به اروپا آمده و مدعی است که می‌خواهد از ما در برابر روسیه حفاظت کند، اما در عوض تهدید می‌کند که اگر تن به خواسته‌هایش ندهیم و این حمایت را رد کنیم، شرکت‌های اروپایی را به مرز ورشکستگی اقتصادی می‌رساند.»

مسیر پیش رو

تحلیلگران اروپایی بر این باورند اگر چه احیای روابط میان متحدان دیرین ضروری به نظر می‌رسد، اما پیروزی «جو بایدن» در انتخابات ریاست جمهوری اخیر آمریکا به این معنا نیست که بتوان انتظار تغییرات شگرف و سریع را داشت. بی‌اعتمادی ایجاد شده میان اروپا و آمریکا تأثیری عمیق بر روابط دو کشور گذاشته است. از هم‌اکنون می‌توان پیش‌بینی کرد که رئیس جمهور منتخب، پس از ورود به کاخ سفید در اولین فرصت به اروپا سفر کند، دوباره به پیمان آب و هوایی پاریس بپیوندد و بکوشد پیمان‌های از دست‌رفته را احیا کند. اما مشکل اینجاست که نه تنها بایدن با بحران‌های بسیاری در داخل کشور (از جمله همه‌گیری کرونا) روبه‌روست،

بلکه حل اختلاف بر سر مسائلی چون «تورد استریم ۲» به راحتی میسر نیست و باید چانه‌زنی‌های بسیاری در این راستا صورت گیرد. این در حالی است که «برونو سالیوان»، تحلیلگر و استاد دانشگاه علوم سیاسی پاریس معتقد است که به رغم خوشحالی عمده ناشی از پیروزی بایدن، این بدان معنا نیست که روابط میان دو طرف بهبود کامل یافته و دیگر خبری از اختلاف میان دو طرف نخواهد بود. وی می‌گوید: «باید بپذیریم که سیاست دموکرات‌های آمریکا نیز در بسیاری موارد با سیاست‌های بروکسل متفاوت است، بنابراین تصور اینکه با روی کار آمدن بایدن شاهد هیچ اختلافی نخواهیم بود کاملاً اشتباه است.»

یک منبع آگاه در اتحادیه اروپا نیز عنوان کرد که انتظار می‌رود دولت بایدن در زمینه مسائلی چون پیمان اقلیمی پاریس بسیار سریع عمل کند، اما نمی‌توان مطمئن بود که آیا این سرعت در زمینه بازگشت اوضاع اقتصادی به حالت قبل هم ممکن خواهد بود یا خیر. این منبع که نخواست نامش فاش شود در ادامه اعلام کرد که «اروپا تلاش دارد مسیر خود را پیش گیرد و در کی روشن‌تر از شرایط داشته باشد، اما تحکیم «اتحاد تجاری فرا اطلسی» کاری نیست که بتوان آن را یک شبه انجام داد.» این در حالی است که مقام‌های اتحادیه اروپا عنوان کردند

که این بلوک از ۳۰ نوامبر بحث درباره چگونگی بهبود روابط با آمریکا در دوران پس از ترامپ را آغاز می‌کنند. سفرای ۲۷ کشور اروپایی بناست پنج سیاست کلان در زمینه همکاری با جو بایدن پس از ورود او به کاخ سفید را بررسی کنند. این حوزه‌ها شامل سلامت، مبارزه با کرونا، افزایش همکاری‌های اقتصادی، مقابله با تغییرات اقلیمی، ارزش‌های مشترک و پیشبرد صلح خواهد بود. رهبران اتحادیه اروپا نیز بناست در اواخر آذرماه در این زمینه به بحث و بررسی بنشینند.

آسمان خاکستری تغییر

در مورد پرونده‌ای مانند نورد استریم ۲ باید این نکته را نیز مدنظر داشت که رقابت میان شرکت‌های حوزه گاز و انرژی آمریکا و روسیه پس از روی کار آمدن بایدن نیز به قوت خود باقی خواهد ماند. روزنامه «وال استریت ژورنال» اخیراً گزارش داده که لابی گران اوکراینی مورد حمایت واشنگتن، تلاش دارند از طریق پارلمان این کشور محدودیت‌هایی را بر پیشبرد و اجرای کامل نورد استریم ۲ اعمال کنند.

با این همه، انتظار می‌رود مسائلی چون تعرفه‌های گمرکی بر واردات کالا از اروپا مدتی پس از ورود نامزد دموکرات‌ها به کاخ سفید روی میز کار او قرار گیرد؛ چرا که

به گفته «وارن گلاری»، تحلیلگر بلومبرگ، عدم واکنش از سوی بایدن به این تعرفه‌ها سبب می‌شود که کلسه صبر اروپا بار دیگر سرریز کرده و این بار واکنشی جدی‌تر به چنین بی‌توجهی نشان دهد.

نکته دیگر، وضعیت فعلی آمریکا و کشور است که بایدن از ترامپ تحویل می‌گیرد. همه‌گیری کرونا به بایدن بیکاری شدید در آمریکا انجامیده است. از یک سو، این امر می‌تواند به ضرر اروپا باشد؛ چرا که انتظار می‌رود بایدن برای بهبود اوضاع در کشورش حتی در سیاست‌های خود علیه قاره سبز از ترامپ نیز تندتر برود. این البته از سوی برخی تحلیلگران محل شک است. آنها معتقدند گرچه ممکن است بایدن پیشرفت چندانی در روابط تجاری دو طرف ایجاد نکند، اما دست کم خواهد کوشید وضعیت را از چیزی که هست بدتر نکند؛ چرا که او برخلاف ترامپ، معتقد است برای ما غلبه بر سلطه چین در حوزه‌هایی مانند تجارت و تکنولوژی نیازمند یک اتحادی قوی است و اروپا یکی از برترین متحدانی است که آمریکا در این زمینه دارد. بنابراین انتظار می‌رود که بهبود روابط به آن روشنی که بسیاری انتظار دارند رخ ندهد، اما دست کم می‌توان انتظار داشت که بایدن در برخی مسائل عقب‌نشینی کند تا دل اتحادیه اروپا را نیز به دست آورد.